

مسأله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز

دکتر ابراهیم برزگر^۱

چکیده

دغدغه اصلی این مقاله، ارائه نگرشی اندیشه شناختی و متدولوژیک به مسأله فلسطین و کاربرد نظریه در تجزیه و تحلیل سیاست و تعامل دین و دولت است. بیش از پنج دهه فلسطین برای دولتهای اسلامی و عربی همواره یک مشکل و مسأله بوده است و پاسخهای گوناگون متفکران و دولتمردان در جهان اسلام، در تولید اندیشه سهم مهمی داشته است؟ به طوری که؛ کل پروسه پنجاه ساله فلسطین و واکنشهای پنجاه کشور اسلامی - یا دولتهای متفاوت آنها در گذر زمان - در قبال این مسأله را می توان گونه شناسی کرد. نویسنده می کوشد تا براساس روش جستاری اسپریگنز، مراحل مسأله بودن یا نبودن، دلیل شناسی، آرمان شناسی و راه حل شناسی، داده ها و شواهد را سازماندهی نظری کند. فرضیه مهم از این چهارچوب مفهومی این است که گوناگونی پاسخ دولتها از یک مرحله به طور متفرد یا چند مرحله از مراحل - چهارگانه پیشگفته - به صورت مجتمع نشان می دهد. جایگاه ایدئولوژیهای ناسیونالیسم عربی و اسلام سیاسی در حل مسأله فلسطین و نقش آن در آفت و خیز گرایشهای سیاسی؛ همورزی اندیشه ها یا واقعیتهای و منافع و نیز پویایی نگرشها و رفتارهای دولتها، درنمایه این مقاله است.

واژگان کلیدی: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، دولتهای اسلامی، اعراب - اسرائیل، فلسطین، اسپریگنز

۱. دکتر ابراهیم برزگر، استادیار و عضو هیأت علمی گروه فلسفه و اندیشه اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. همچنین عضو هیأت علمی گروه فلسفه و اندیشه اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

2. Thomas Spragens

مقدمه

اهمیت بُعد اندیشگی مسأله فلسطین با وجود مسجدالاقصی و بیت‌المقدس در آن سرزمین پیوند خورده است. فراتر از آن حمایت از یک کشور اسلامی تحت عناوین گوناگون دفاع از مظلوم یا حساسیت نسبت به سرنوشت مسلمانان و دفاع از اصولی از میارزان مسلمان نیز در دستور کار اندیشه‌ورزان مسلمان قرار گرفته است.^۱ بیت‌المقدس برای بسیاری از مسلمانان جهان اسلام، پیوسته نمادی از موضوع «جهاد»، «اسلامی بودن» و رفتار دولتها در قبال آن جلوه‌ای از «مشروعیت» آنها در طول تاریخ اسلام بوده است؛ به گونه‌ای که بعضاً تنازل دولتها به مسأله فلسطین، به معنای «شکاف دین و دولت» تلقی شده است. اسلامی بودن بیت‌المقدس ریشه در ساختار گفتمان قرآنی دارد.^۲ در این گفتمان «شام» به عنوان ارض مبارکه و ارض مقدس معرفی شده است.^۳ شام و بیت‌المقدس به دلیل ارتباط آن با مسجدالاقصی در کنار مکه (مسجدالحرام) و مدینه (مسجدانحرام) از جایگاه والا و مبارکی برخوردار است. حتی در نظام اندیشگی اسلامی سنی در قرن اول، مشروعیت خلفا زمانی پذیرفته می‌شد که خلیفه، مسجدالحرام و مسجدالاقصی را به طور توأمان در اختیار داشته باشد؛^۴ پروژه امویان که به شام و بیت‌المقدس اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داند،^۵ از سوی دیگر، از جنبه واقعیتهای عینی به دلیل همجواری و نزدیکی این سرزمین با دولت بیزانس و تهدیدات خارجی، مقوله «جهاد» برخلاف عراق، در شام بسیار جدی

۱. برای مثال بنگرید به نظر شیخ احمد یاسین در آخرین نامه خود به سران عرب در محله پیام فلسطین، شماره ۴۴، اردیبهشت ۱۳۸۳، حدیث دفتر تهران، ص ۵۶ و نیز دیدگاههای امام خمینی در این باب؛ صفاتج، مجید، لگودآورنده و سرپرست عینی) دانشنامه فلسطین، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۰۲-۲۱۱ و نیز جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تعلیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۷-۱۱۴.

۲. انصاری قمی، حسن، جایگاه تاریخی و دینی بیت‌المقدس، کتاب ماه دین، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۵۴.

۳. قرآن کریم، سوره اسراء/۱۱ (اعراف/ ۱۲۷).

۴. انصاری قمی، همان؛ به نقل از الفتن، نمونین حماد، ص ۵۸، برای بررسی بیشتر بعد قرآنی فلسطین و دیدگاه مفسران قرآنی رجوع شود به مقاله فتحی شقائی «مسأله فلسطین در اندیشه اسلامی» ندایالقدس، شماره ۵۴، ۱۳۷۹/۱/۱، صص ۱۹-۵۶.

۵. رکد مجید صفاتج، دانشنامه فلسطین، ۱۳۸۰، صص ۵۵۸-۵۸۹. در عصر جدید نیز موضوع اهتمام به بیت‌المقدس از حیث پایه مشروعیت در کانون توجه زمامداران، پروژه حاکمان عربستان سعودی بوده است و هرگونه نرمشی در این زمینه اعتراض عمومی و احتمالاً علمای وهابی و در نهایت زیر سؤال رفتن مشروعیت پادشاهی را در پی داشته است. رکد: استاد لانه جاسوسی، شماره ۲۵، حکام جزیره العرب، بی‌تا، بی‌جا، بی‌نا، بند ۱۱، ص ۱۴۴ و نیز دانشنامه فلسطین، ۱۳۸۰، صص ۱۴۷-۱۵۲.

بوده و همواره موضوعیت داشته است؛ زیرا جبهه جنگ با دولت پیرائس همواره می‌توانست گشوده باشد. بدین سبب، شام به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی خود برای دارالاسلام، از همان آغاز جلوه‌گاه مفهوم «جهاد»، و بیت‌المقدس در آن به عنوان تجلیگاه مستمر چالش حق و باطل بوده است. در دوران طولانی جنگهای صلیبی نیز بازپس‌گیری بیت‌المقدس از مسیحیان، همچنان بیانگر جایگاه برجسته آن در اندیشه و رفتار سیاسی مسلمانان بوده است. در قرن بیستم با اشغال سرزمین فلسطین از سوی اسرائیل و شکل‌گیری صهیونیسم سیاسی فصل جدیدی در روابط جهان اسلام با بیت‌المقدس و اندیشه سیاسی اسلام معاصر گشوده شد، از آن زمان تاکنون، بحران فلسطین سهم عمده‌ای در ایجاد و بالندگی اندیشه اسلام‌گرایی و یا رادیکالیته کردن آن بر عهده داشته است. با این همه، این بُعد اندیشه شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، مسئله پژوهش، ابهام سهم پدیده فلسطین در عملکرد دولتهای اسلامی و اندیشه‌ورزی متفکران سیاسی و جستاری جهت دستگامند کردن تولیدات فکری، برداشتها و عملکردهای پیچیده در طول پنج دهه و در متن واقعتهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

پرسش اساسی این است که آیا می‌توان با نگرش اندیشه شناختی اسپریگنز به تجزیه و تحلیل مسئله فلسطین و شناخت رمز و راز گوناگونی رفتارهای سیاسی در باب آن پرداخت؟ آیا می‌توان نسبتی میان مآله فلسطین و اندیشه سیاسی برقرار کرد؟ به دیگر سخن، بیش از پنج دهه جهان اسلام، همواره با بحران منطقه‌ای اشغال سرزمین فلسطین مواجه بوده است. در طول این مدت، ذهن اندیشه‌ورزان سیاسی و نخبگان سیاسی جهان اسلام به این موضوع مشغول بوده است. این بحران به تمام معنا یک معضل، یک مشکل و یک سؤال بزرگ برای آنان بوده است واکنشها، موضع‌گیریهای فکری - سیاسی جهان اسلام در قبال این موضوع، موجب اعتلای اندیشه سیاسی - اسلامی گردیده است. با توجه به اینکه اندیشه سیاسی هر دوره در ارتباط با مسائل دوران خویش است و می‌کوشد تا برای بحرانا، راه‌حلهای برون‌شدی بیابد و نظر به اینکه نظریه‌ها و مدل‌های سیاسی، موجب انسجام و منطقی شدن تحلیلهای سیاسی است و این الگوها ظرف مناسبی را برای ساماندهی انبوه اطلاعات پراکنده فراهم می‌کند. این مقاله می‌کوشد تا کاربرد یکی از الگوهای اندیشه سیاسی را در مسئله فلسطین نشان دهد، زیرا اندیشه سیاسی به دلیل سرشت انتزاعی خود که بر فراز حوادث جزئی و روزمره حرکت می‌کند و بنیان رفتارهای

سیاسی را تشکیل می‌دهد، می‌تواند طیف وسیعی از حوادث را تحت پوشش قرار دهد. بنابراین، تلاش خواهیم نمود تا عصارهٔ جریان و منحنی تغییرات اندیشه و رفتار سیاسی کشورهای اسلامی را ترسیم و تصویری جامع پسان فیلمی کوتاه از پنجاه سال تحولات بحران ارائه کنیم؛ اما قبل از ورود به بحث تطبیق نظریه بر مورد، لازم است چکیده‌ای از مدل جستاری توماس اسپریگنز؛ یعنی روش جستاری که ما در اینجا از آن مدد می‌جویم ارائه کنیم.

«توماس اسپریگنز»^۱ در کتاب خویش با عنوان «فهم نظریه‌های سیاسی» روش جستاری ارائه کرده که ابزار تفکر منطقی دربارهٔ مسائل سیاسی و متفکران سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران بشدت واقع‌گرا هستند و اندیشه‌های سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. بر این اساس نظریه‌های سیاسی صرفاً یک تفریح آکادمیک نیست، بلکه عمیقاً به موضوعات عملی و روزمرهٔ سیاست مربوط است. تلاش آنها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند. از این رو، مسائل و مشکلات، نقطهٔ آغاز نظریه‌های سیاسی است. مشکل‌شناسی، ترسیم صورت مسئله آغاز توند و بالندگی اندیشهٔ سیاسی است.

گام دوم پس از مشاهدهٔ بی‌نظمی، جستجوی علت این بی‌نظمی است که بخشی علل‌شناسانه است. آنگاه در گام سوم، وقت طرح این سؤال که اگر این وضعیت نامطلوب و بی‌نظمی است، وضعیت مطلوب و نظم آرمانی کدام است که در واقع، روی دیگر سکه بی‌نظمی است؟ نظریه‌پرداز در این مرحله از «هسته‌ها» گذر کرده، به «بایدها» می‌رسد. از این رو، او صرفاً متکی بر «توصیف و تحلیل» واقعیت‌های موجود نیست، بلکه جهان را آنگونه که «بایده» باشد، نیز تصور می‌کند. طرح موضوع آرمانشهر (یوتوپیا) در همین گام است. نظریه‌پردازان رادیکالی نوعاً در این گام آرمان‌گراتر و محافظه کاران واقع‌بینانه‌تر ظاهر شده‌اند. البته، تقدم و تأخر گام دوم و سوم به اختیار نظریه‌پرداز است؛ یعنی مرحلهٔ آرمان‌شناسی همانند جسم شناوری است که می‌تواند قبل و یا بعد از علل‌شناسی و تشخیص علل بی‌نظمی قرار گیرد. سرانجام آخرین جزء نظریه‌های سیاسی، «ارائه راه‌حل»، پیشنهادها و توصیه‌های عملی است. این توصیه‌ها گاه صریح و گاه تلویحی است.^۲

1. Thomas Spragens

۲. اسپریگنز، توماس. فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، نشر آکا، ۱۳۹۵، ص ۲۷.

اکنون در یک «مطالعه موردی»، کاربرد چهارچوب نظری پیشگفته در مورد بحران فلسطین و واکنشهای گوناگون دولتهای جهان اسلام در طی پنجاه سال بررسی می‌شود، زیرا آنان در قبال موضوع کهنه و در عین حال روز فلسطین، واکنشهای فکری و عملی متفاوتی نشان داده‌اند. سؤال این است که چگونه می‌توان به فهم گوناگونی رفتار سیاسی آنان نایل شد؟ چگونه می‌توان کل پرونده پنجاه سال را در یک مدل نظری جمع‌بندی کرد؟ بدین منظور، با استخراج پرسشهای اساسی چهارچوب نظری پیشگفته و طرح این پرسشها در قبال طیفهای گوناگون، به مقایسه رفتار و دیدگاههای مختلف می‌پردازیم، و به بیان دیگر، همه صاحب‌نظران مختلف موضوع را در یک «میزگرد سیاسی غیر حضوری» مشارکت می‌دهیم. سؤالات استخراج شده از روش جستاری اسپریگنز که در قالب مثال مطالعاتی فلسطین طرح شده، عبارتند از:

۱. مشکل‌شناسی: آیا مسئله فلسطین برای هر یک از کشورهای اسلامی - عربی اساساً به مثابه مشکل مطرح است؟ زیرا بر فرض وجود تلقی مشکل در جامعه داخلی و منطقه‌ای است که مراحل بعدی تعریف مشکل، درجه اولویت مشکل و جز آن موضوعیت پیدا خواهد کرد. برای مثال، منازعه اعراب - اسرائیل و مسئله فلسطین برای جمهوریهای آسیای مرکزی برخلاف کشورهای اسلامی خاورمیانه اهمیت چندانی ندارد و اساساً «مسئله» برای آنان نیست. به دلایل مختلف، از جمله آنکه این جمهورها تجربه سیاستهای استعماری غرب را ندارد و فاقد تلقی منفی موجود در کشورهای اسلامی - انقلابی‌اند. زمین سبب همگی با اسرائیل رابطه سیاسی - اقتصادی برقرار کرده‌اند.^۱ دولتهای اسلامی «جنوب شرقی آسیا» که به عنوان دنیای دوم اسلام در مقابل محکوم کردن اقدامات اسرائیل - دارای روابط دیپلماتیک با اسرائیل‌اند و این رابطه را حتی در بحرانی‌ترین وضعیتها قطع نکرده‌اند.^۲ در

۱. رک. کولانی، انده: سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، سمت، ۱۳۷۶، ص ۱۲، و دانشنامه فلسطین، جلد اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۴-۱۱۶ (اسرائیل و آسیای میانه) و نیز:

Shirin Hunter, "The Muslim Republics of The former soviet Union: Policy Challenges for The United States" The Washington Quarterly Summer, 1992-pp. 49-61.

۲. فون در مهند، فردر: دو دنیای اسلام؛ روابط جنوب‌شرقی آسیا و خاورمیانه، ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵ و نیز مقاله وی با عنوان «جنبش‌های اسلامی در مالزی و اندونزی و پیوند ایرانی آن» در کتاب:

John L. Esposito (ed): The Iranian Revolution: Its Global Impact, Florida: International University press, 1990. pp. 233-254.

واقع موضع‌گیری آنان بیشتر هویتی «جهان‌سومی» دارد تا دغدغه‌ای اسلامی. الگوی رفتاری دولت ترکیه، نمونه‌گیری از «مسئله» نبودن مسئله فلسطین برای آنان است تا آنجا که یا اسرائیل پیمان و اتحاد استراتژیک منعقد کرده است.^۱ عراق جدید بعد از سرنگونی صدام نیز به سوی مسئله نبودن فلسطین در حرکت است.^۲

۲. علل‌شناسی: علل و ریشه‌های مشکل مفروض چگونه تحلیل می‌شود؟ علل ایجاد و استمرار آن چیست و ترتیب تأخر و تقدم علل درونی و بیرونی آن چگونه است؟
۳. آرمان‌شناسی: آرمانشهر و وضعیت مطلوب - و به موجود هر یک - چگونه تصور می‌شود؟ همه طرفه‌هایی که دارای مرحله مشکل‌شناسی‌اند، قهرآ دارای آرمانی از فلسطین هستند و در این مقوله مشترکند. و تفاوت تنها در کم و کیف این آرمان است.

۴. راه‌حل‌شناسی: راه‌حل‌ها و توصیه‌های هر یک برای تغییر و بهبود وضعیت موجود به مطلوب چیست؟ (فرضیه ملهم از این چهارچوب نظری در پاسخ به علل گوناگونی رفتار سیاسی کشورهای مختلف این است که گوناگونی از یکی از مراحل چهارگانه مذکور به طور منفرد، و یا در همه مراحل به صورت مجتمع ناشی می‌شود؛ یعنی یا در مشکل‌شناسی یا یکدیگر اختلاف دارند یا در آرمان‌شناسی و یا در علل‌شناسی و در نهایت راه‌حل‌شناسی. البته، ممکن است در همه مراحل اول تا چهارم با یکدیگر اختلاف داشته باشند؛ یعنی اختلاف بسیار عمیق باشد.

طرح مشکل

آغاز شکل‌گیری مشکل به اوایل قرن نوزدهم و اوج‌گیری ناسیونالیسم در کشورهای اروپایی برمی‌گردد. بدنبال آن گروه ثروتمند جامعه یهودیان اروپا نیز برای حفظ موقعیت اجتماعی و نفوذ اقتصادی خود، زمزمه ناسیونالیسم یهود را ساز کردند.^۳ تیمودور هرستل^۴

۱. برای بررسی بیشتر رگ: «روشنده، جلیل، پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل. محتوا و پیامدها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۹۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.

۲. خبر آزادی سفر به اسرائیل برای اتباع عراق در اوایل مردادماه ۱۳۸۳ و نیز خبر ملاقات ایداعلاوی با وزیر خارجه اسرائیل در روزنامه شرق، شماره ۲۹۸، شنبه ۱۳۸۳/۷/۳، ص ۸.

۳. نوسلی، مهدی: فلسطین (ریشه‌های درد)، تهران، چاپ ارگ، ۱۳۵۹، ص ۳۰.

۴. ابن واژه که لاتین آن (Theodore Herzl) است، در زبان فارسی به شکلهای هر تزل (حمید احمدی، همان، ص ۲۹۸)، هر تزل (میرحیدر، همان، ص ۳۶۲) و هر تزل (دانشنامه فلسطین، همان، ص ۶۰۲) نگارش یافته است. بازنویسی مختصر

نظریه پرداز صهیونیستها در ترسیم مشکل یهودیان ضمن اشاره به ستم جوامع مختلف به یهودیان،^۱ بر سر این دریافت که یهودیان اروپا عناصری بیگانه‌اند و تاکنون در جامعه خود نیز جذب و تحلیل نشده‌اند. همصدا می‌شود و نتیجه می‌گیرد که در آینده نیز هرگز چنین نخواهد شد. راه حل نهایی وی کوچ دسته جمعی به سرزمین فلسطین است.^۲ بدین ترتیب، درست در دوران استعمارزدایی و دستیابی بسیاری از کشورها به استقلال، سرنوشت مردم فلسطین به گونه‌ای معکوس رقم می‌خورد و کشورشان از نقشه جغرافیای سیاسی حذف می‌شود. این بحران در فلسطین محدود نمی‌ماند و بخشهایی از سوریه، لبنان، مصر و اردن نیز به تصرف اسرائیل در می‌آید و در قالب جنگ یا حالت نه جنگ، نه صلح، بیش از پنجاه سال به طول می‌انجامد.

۱. مشکل شناسی

مشکل شناسی دولتهای اسلامی و عربی از مسئله فلسطین چگونه ترسیم شده است؟
۱-۱. دولتهای عربی در برخورد با مسئله فلسطین، ابتدا این مشکل را مشکل اعراب تفسیر کردند. زین سبب بر ناسیونالیسم عربی تکیه کردند. بنابراین، واکنش آنی رژیمهای عربی در برابر ناسیونالیسم یهود، ناسیونالیسم عربی بود. در چنین تفسیر هنجاری، دولتهای عربی، با قرار دادن مسئله فلسطین در چهارچوب تنگ عربی و نه ظرف اسلامی از توان عظیم کشورهای اسلامی غیرعرب بی بهره ماندند. بدین ترتیب درست در زمانی که حتی

نگارنده هر تفسل است. ضبط آوایی آن در The Random House dictionary نیز این نظر را تأیید می‌کند: (her isel) ضمناً Theodore نیز غالباً در متون سیاسی به صورت هتودوره ضبط شده است که صحیح آن هتودور است. وقتی (EO) در توالی قرار گیرند در این جایگاه در فارسی به صورت (ی) بازنویسی می‌شود. ر.ک: شیوه نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی، ماندانا حدیق بهزادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳.

۱. در رویکرد نوسالوژیک شکل گیری دولت اسرائیل بر برخی اسطوره‌های تاریخی که دل بر ادعای مظلومیت و آوارگی یهودیان می‌باشد، استوار است: بنگرید: عبدالله شهنازی: بنیادهای اندیشه سیاسی یهود: در پژوهش صهیونیست، کتاب دوم، به کوشش محمد احمدی، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۳، صص ۴۳۵-۴۸۹.

۲. برای ملاحظه مسئله از دیدگاه صهیونیستی آن بنگرید به: حمید احمدی، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، چاپ دوم، صص ۲۸۸، ۲۹۶ (اندیشه‌های هر تفسل در کتاب دولت یهود، ۱۸۹۶) و صص ۴۷۶-۴۷۸ (اعلامیه تشکیل دولت اسرائیل، ماده ۱۹۴۸) و نیز دانشنامه فلسطین، پیشین، ص ۶۰۲ و نیز رودنسون، ماکسیم، عرب و اسرائیل، ترجمه رضا براهنی، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۱۳.

دشمن صهیونیست آنان بر عامل مذهب پای می‌فشرد و آن را اساس هویت‌بخشی خود قرار می‌داد، اعراب به جای اسلام بر عربیت تأکید می‌ورزیدند.

پیترز در کتاب «مقاومت و جهاد در برابر استعمار» به موضوع توسل به اصل جهاد علیه بیگانگان در جهان اسلام می‌پردازد. بنا به تحقیقات وی در جنگهای چهارگانه عمده اعراب - اسرائیل، دولتهای عربی هیچ‌گاه از ادبیات جهادی علیه اسرائیل استفاده نکردند.

تبلیغات مداوم و هماهنگ آنان به دفاع از وطن و اتحاد ملل عرب و مقوله امنیت محدود بود. این امر حاکی از ایدئولوژی حاکم بر مبارزات آنان مبتنی بر ایدئولوژی کاملاً غیرمذهبی بود.^۱

۱-۲. در گام دوم، در مقام تعریف مشکل و تعیین درجه تهدید و اولویت آن، کشورهای عربی به دو دسته متمایز کشورهای خط اول جبهه (هم‌مرز با اسرائیل) نظیر سوریه، مصر، اردن، لبنان از یک سو و کشورهای عرب فاقد مرز مشترک با اسرائیل از سوی دیگر، تقسیم شدند. مسلماً حتی با فرض تلقی مشکل درجه تهدید و اولویت آن برای اعضای این دو دسته یکسان نبوده است، زیرا صرفاً کشورهای خط اول جبهه بوده‌اند که با توجه به مرز مشترک، پیوسته در معرض سرد و باخت بوده‌اند. از این‌رو بحران فلسطین صرفاً به کشورهای خط مقدم اختصاص یافت و کشورهای غیر هم‌مرز یا آن را مشکل ندانستند یا در اولویت جدی آنان قرار نگرفت، اگرچه به طور اعلانی و برای اقناع افکار عمومی داخلی بعضاً به نفع آرمان فلسطین شعار می‌دادند و به اعطای کمکهای مالی برای کسب مشروعیت داخلی خود اکتفا می‌کردند.^۲

۱-۳. باز هم دایره بحث را می‌توان براساس واقعیتهای تاریخ محدودتر کرد یعنی همان کشورهای هم‌مرز - نیز با اختلاف زمانی و تقدم و تأخر میان مسأله خود و مسأله فلسطین وجه تمایز قائل شدند و مشکل را با عطف نظر به منافع ملی خود صیقل زدند. بنابراین، مشکل، نه قدس و فلسطین که بازپس‌گیری سرزمینهای از دست رفته خود شد. از این جهت، مسأله فلسطین یا مشکل نبود و یا فاقد درجه اولویت حیاتی بود. شکل‌گیری ساف نیز با چنین نگرشی بود «حکومت‌های عربی منافع منطقه‌ای خویش را بر رویارویی با

۱. پیترز، رادولف، اسلام و استعمار، محمد خرفانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۱۷.

۲. پت کوبک، دنک، «دگرگونی نظر اعراب درباره اسرائیل»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۹ و ۲۰، ۱۳۶۷.

مریخ افلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳.

دشمن برای آزادی فلسطین ترجیح می‌دهند.^۱ پیش‌تاز این دیدگاه، مصر به رهبری سادات بود که به طور جداگانه با اسرائیل وارد مذاکرات صلح شد و در جهت حل مشکل مصری خود و بازپس‌گیری صحرای سینا به انعقاد صلح کمپ‌دیوید پرداخت. هنجانکه اردن به منظور جلوگیری از حملات مقابل انتقامی اسرائیل از خاک اردن با جنبش فلسطین درگیر شد و فاجعه ۱۹۷۱ رخ داد و یا در لبنان همین مسأله موجب درگیری خونین حزب کتائب و فلسطینی‌ها شد.^۲ این کشورهای همسایه اسرائیل تلویحاً تفکیک میان مسأله فلسطین و مسائل کشورهای خود را پذیرا شدند.^۳

این توجه ویژه به منافع ملی در مواضع سرریز نیز مشهود بوده است و با چنین نگرشی برای اولین بار وارد مذاکرات کنفرانس مادرید و بعد از آن شد، تا با بازپس‌گیری جولان و جبران غرور ملی و نیز دریافت کمکهای مالی از امریکا، مسأله فلسطین را به صاحبان اصلی آن واگذارد. بنابراین، در این فرض، مسأله فلسطین، منحصر به حدود چهار میلیون فلسطینی می‌شود تا خود به حل مشکل خویش اقدام کنند و بدین ترتیب، اولاً کشورهای عربی از هزینه و سرمایه‌گذاری برای فلسطین رها گردند و ثانیاً از تبعات و بازتابهای روانی و مشروعیتی ناشی از مذاکرات صلح در سطح داخلی نیز مصون گردند. باور سعودیها بر آن است که «بدین طریق بار مشکل قبول مصالحه با اسرائیل از دوش اعراب برداشته خواهد شد و به عهده خود فلسطینی‌ها گذاشته می‌شود».^۴

۴-۱. البته، مشکل‌شناسی دیگر و محدودتر، تعریف مشکل به گونه اسرائیلی آن است. اسرائیل مشکل را فقط به فلسطینی‌های داخل اراضی اشغالی محدود می‌کند و فلسطینی‌های مقیم کشورهای خارجی را اساساً فلسطینی نمی‌داند؛ بلکه آنان اعرابی هستند که می‌توانند همچون دیگر اعراب، در کشورهای عربی زندگی کنند.^۵ بنابراین آنچه مشکل تعریف می‌شود و باید به دنبال حل و فصل آن بود، فلسطینی‌های داخلی اراضی اشغالی است. وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید: «ما در مذاکرات صلح به دنبال حل مسأله فلسطینی‌هایی

۱. نجیب‌الریس، ریاض؛ راه دشوار مقاومت فلسطین؛ حمید فرزانه، تهران، اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۳۳.

۲. همان، صص ۱۶۳-۱۸۳ و ۱۸۵-۱۹۸.

۳. باوند داود، پان ساماتیسیم و استراتژی جدید اسرائیل، بولتن میزگرد اسرائیل، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات خاورمیانه، مهرماه ۱۳۷۳، ص ۲۹.

۴. استاد لائیه جاسوسی، شماره ۳۵ حکام جزیره‌العرب، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، سند ۴۱، ص ۱۴۱.

۵. مصاحبه فتی شقانی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰/۸/۶، ص ۲.

که در داخل اراضی اشغالی زندگی می‌کنند هستیم، نه آنهایی که در خارج به سر می‌برند.^۱ جمعیت فلسطینی‌های داخل اراضی اشغالی با توجه به نرخ رشد بیشتر آن از اسرائیلی‌ها محور اصلی نگرانی آنان است.^۲

۵-۱. وسیع‌ترین تعریف از مشکل‌شناسی: بسیاری از متفکران اسلام‌گرا، جمهوری اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی مبارزه فلسطینی، نظیر حماس و جهاد اسلامی و سایر گروههای همسو در جهان اسلام، مشکل را نه صرفاً منحصر به فلسطینی‌ها، نه صرفاً اعراب خط مقدم و نه صرفاً مشکل کشورهای عربی، بلکه مشکل تمامی فزاتر از آن مسأله‌ای «جهانی» و مشکل «بشریت معاصر» می‌دانند. این مشکل در رأس مسائل جهان اسلام و دارای اولویت نخست است. در بند نخست بیانیه کنفرانس تهران که در مقابله با کنفرانس مادرید تشکیل شد، چنین آمده است: «کنفرانس مسأله فلسطین را مسأله اول جهان اسلام می‌داند»^۳ و در بند دوم بیانیه «رژیم صهیونیستی، دشمن مشترک تمامی مسلمانان، نه صرفاً فلسطینی‌ها معرفی شده است.

۱. متن خبر در روزنامه سلام، ۱۳۷۰/۸/۴، ص ۴. جمعیت فلسطین در اسرائیل که به «اعراب اسرائیلی» شهرت یافته‌اند، طبق آمار بیش از ۲/۵ میلیون نفر است. در سال ۲۰۰۱ جمعیت کرانه غربی ۲/۰۱۲/۱۰۰ ذکر شده که ۸۵ درصد آن اعراب مسلمان و بقیه یهودی‌اند. در تراز غزه نیز ۷۹۲/۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند. ترجمه:

Barry Turner (ed): The Statesman's Year Book: Great Britain: Palgrave Publishers Ltd. 2002. pp. 928-935.

۲. جمعیت، نگرانی دائمی اسرائیل: فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره ۲، زمستان، ۱۳۷۸؛ و نیز «جمعیت، محور اصلی جنگ صهیونیست‌ها با ملت فلسطین»، نداء القدس، سال سوم، شماره ۶۶، ۱۳۸۱/۶/۱، صص ۱۸-۲۰.

۳. متن سند نهایی کنفرانس، در روزنامه ابرار مورخ ۱۳۷۰/۸/۱. هر چند مسأله بودن فلسطین برای ایران در درجه اول از جنبه تعهد ایدئولوژیک و مذهبی است و نه تعهد ملی-ایرانی و ناشی از مسلمانی ایرانیان و اهتمام‌ورزی به قدس و قلم‌ستیزی نسبت به ظالم صهیونیستی و امروز مسلمین است؛ اما از جنبه منافع ملی نیز مصروف پیدا می‌کنند. زیرا گفته می‌شود در رونشناسی سیاسی اعراب سه دشمنی نهادینه شده است: اسرائیل، ترکیه، ایران. در صورت برجسته شدن دشمنی اسرائیل برای اعراب، دشمنی را با ایران تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد و فرصتی پیش می‌آید تا اعراب انرژی متراکم خویش را علیه ایران و ترکیه تخلیه کنند. روزنامه الاهرام می‌نویسد: «ایران، ترکیه و اسرائیل دشمنان اعراب‌اند. اما اعراب در یک زمان نمی‌توانند در سه جبهه مخالف دسته باشند. بنابراین، بهتر است در وضعیت کنونی با ایران و ترکیه روابط را بهبود بخشند و تمام نیروها را علیه اسرائیل متمرکز کرد» (خبر در روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۴/۲۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل صرفاً یک مقوله ایدئولوژیک نیست، بلکه به دلیل تهدید منطقه‌ای اسرائیل در خاورمیانه و توسعه طلبی ذاتی و ماهیت آن، تداوم خصوصیت ایران با اسرائیل را در راستای منافع ملی است. امیرمحمد حاجی یوسفی: ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۸.

شیخ عبدالعزیز عوده، یکی از رهبران جهاد اسلامی در تعریف مسئله فلسطین می‌گوید: «مشکل فلسطین یک مشکل اسلامی است و مشکل منی یا ناسیونالیستی که فقط مربوط به اعراب باشد، نیست، بلکه مشکل تمام امت اسلامی می‌باشد»^۱ همان‌سان که امام محمد غزالی اندیشمند برجسته مصری در مصاحبه‌ای در این باب می‌گوید: «مسئله فلسطین، مسئله عرب فلسطینی نیست. مسئله مصر هم نیست. مسئله جهان اسلام است. مسئله همه کشورهای اسلامی است. قضیه اسلام است»^۲

می‌توان مسئله فلسطین را در دیدگاه عمیق‌تر و دایره‌ای وسیع‌تر نیز بررسی کرد؛ دیدگاهی که آن را در قالب برخورد پیروان ادیان اسلام و یهود و یا تمدن اسلامی و یهودی طرح می‌کند. این دیدگاه اسرائیل و یهودیان را به عنوان دشمن دیرینه اسلام و کینه‌توزترین دشمنان از صدر اسلام تاکنون شناسایی می‌کند و به دشمنی، خصمنی دینی می‌بخشد. مثلاً راشد الغنوشی دیدگاه خود را با عنوان «مرکزیت مسئله فلسطین» طرح می‌کند و در چنین چهارچوبی، آزادسازی فلسطین را آزادسازی جهان و امت اسلامی می‌داند.^۳ وی اظهار می‌دارد: «در قرآن کریم جز به بنی‌اسرائیل که در زمان نزول کتاب الهی، اقلیتی بیش نبودند، به هیچ قوم دیگری چنین (منفی) توجه نشده است. نه رومیان، نه ایرانیان و نه منتهای دیگر آن زمان؛ زیرا خدای متعال از خطر این قوم یهود برآینده بشریت و اسلام آگاه بود ... وی یهودیت معاصر را در قوی‌ترین وضعیت و مرحله تاریخی خود می‌بیند و بنابراین، به نظر وی «مسئله فلسطین با مسئله یهود در کلیت آن در ارتباط است»^۴ هرچند طرح مسئله به صورت «یهودی ستیزی» بسیار افراطی است فراتر از آن، بسیاری از یهودیان نیز ارتباط

۱. زیاد ابوعمر، جنبشهای اسلامی در فلسطین، ترجمه هادی صبا، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۱، ص ۹۹.

۲. کدیور، جمینه، مصر از زاویه‌های دیگر، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲ (منش مصاحبه).

۳. راشد الغنوشی، مسئله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۶۳ و ص ۱۱۵-۱۱۶. همچنین مؤلفان دیگری ضمن مباحث کلاسیک، دشمنی سرسختانه یهود با اسلام و پیامبر (ص) در صدر اسلام از خلال آیات قرآن نظیر سوره مائده/ ۸۲ در گام بعدی آن را بر یهودیان معاصر و دولت صهیونیستی اسرائیل تطبیق و تفسیر داده‌اند؛ مؤلف ناشناخته: جهان زیر سلطه صهیونیسم، بی‌جا، انتشارات مهیا پاستورین انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۲۱۲-۲۱۹. برای ملاحظه دیدگاه همه جانبه قرآن کریم در باب یهودیان بنگرید به: صلاح عبدالفتاح الخالیدی: الشخصیة اليهودیة من خلال القرآن؛ تاریخ، وسماوات ومصر؛ دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۸م/۱۴۱۹هـ.

دین یهود با دولت صهیونیستی را نفی کرده‌اند.^۱ همان‌سان که ملاحظه شد در مشکل‌شناسی از مسأله فلسطین، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که صرف‌نظر از دیدگاه افراطی اخیر می‌توان آنها را در جدول زیر خلاصه کرد:

مسأله فلسطین	کمیت آماری تخمینی	دیدگاه خاص
۱. مسأله بشریت معاصر، مسأله‌ای جهانی است	۶ میلیارد	ج. ا. ایران و ...
۲. مسأله بشریت معاصر، مسأله‌ای جهانی است	یک میلیارد (۵۳ کشور)	ج. ا. ایران و ...
۳. مسأله دولتهای عربی و اعزب است	۳۰۰ میلیون (۲۴ کشور)	دولتهای عرب
۴. مسأله دولتهای عربی همسایه اسرائیل است	۹۰ میلیون (۴ کشور مصر، سوریه، لبنان، اردن)	دولتهای عرب
۵. مسأله فلسطینیان است.	۴ میلیون	دولتهای عرب
۶. مسأله فلسطینیان داخل اراضی اشغالی است	۲/۵ میلیون	اسرائیل
۷. اصولاً مسأله‌ای با هویت اسلامی و مشکلی در روابط آنها با اسرائیل نیست.	—	ترکیه و مناطق آمپای مرکزی و آسیای جنوب شرقی

دو نکته گفتنی است: اول آنکه پویایی مواضع کشورها در مراحل زمانی مختلف از یک صورت به صورتی دیگر در نظر گرفته شود. برای مثال، مصر که زمانی پیشتار کشورهای عربی در مبارزه با اسرائیل بوده است، در زمان سادات مسأله فلسطین را مقوله‌ای فلسطینی می‌داند. دوم اینکه فهم مرحله مشکل‌شناسی برای فهم رفتار سیاسی بعدی بازیگران یا نظریه‌پردازان و فهم مراحل بعدی ضرورتی حیاتی است، زیرا تمام اندیشه‌ورزی‌ها،

۱. بسیاری از محققان یهودی ضد صهیونیسم نظیر منوهین و برگر، توجیه عقاید مذهبی برای تاسیس دولت اسرائیل در فلسطین را مبرود شمرده‌اند:

— منوهین، موشه: *منتقدان یهودی صهیونیسم* ترجمه وارزیک درساهاکیان، تهران: سروش، ۱۳۵۹.

— برگر، المر: *خطرات یک یهودی ضد صهیونیست*، ترجمه حسین وجداندوست، تهران، پنگاه ترجمه و نشر کتاب،

دکترینها و استراتژیهای اراده شده آنان، برای حل معمای مشکل است. این مشکلات و بحرانها و تلقی و تصور آنان از آنهاست که احساسات نظریه پردازان را جریحه دار و اندیشه های او را تحریک می کند و رفتار سیاسی وی را برمی انگیزد. بنابراین، فهم دقیق مشکلات و تصور آنان از مشکلات، سر نخ حل معمای رفتار سیاسی جاری و آتی است. قبض و بسط مشکل بر اساس هویت اسلامی بودن مسئله یا نبودن؛ مسئله عربی بودن یا نبودن؛ ملی بودن یا نبودن و چالش آن با منافع ملی و ارزشهای نخبگان سیاسی در قدرت، موجب پویایی و دگرگونی نظرها و مواضع در مراحل بعدی می شود.

۲. آرمان شناسی

وضعیت مطلوب، ایده آل و آرمانی هر یک از طرفهای ذی ربط در بحران فلسطین چگونه تصویرپردازی شده است؟ این سؤالی است که پس از مشاهده مشکلات، مصائب، بی نظمی و بحران در ذهن نظریه پرداز و یا استراتژیست طرح می شود. در واقع، آرمانها و مطلوبها روی دیگری از مشکلات خاص و عام آنهاست. از این جهت، ترسیم وضعیت ایده آل فرع بر ترسیم مشکل شناسی آنهاست. گونه شناسی (typology) آرمان دولتهای اسلامی از، وسیع ترین شکل به محدودترین آن به شرح ذیل است:

۲-۱. وضعیت مطلوب و آرمان مطلوب، آزادی قدس شریف، قبله اول مسلمین، نابودی دشمن صهیونیستی و محور آن از جغرافیای سیاسی منطقه، آزادسازی همه سرزمینهای اشغالی کشورهای مختلف عربی و تشکیل یک دولت فلسطینی در تمام خاک فلسطین است. این دیدگاه از آن جمهوری اسلامی ایران و دیگر گروههای مبارز و شخصیتهای همسو با آن است که براساس فرمول حاصل جمع جبری صفر منافع، خواستاری نابودی کامل اسرائیل بوده اند.

۲-۲. وضعیت مطلوب، آزادسازی بخشهای اشغالی کشورهای عربی اساس قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ است که تشکیل یک دولت فلسطینی را توصیه می کنند. در این فرض،

موجودیت اسرائیل به رسمیت شناخته شده و به عنوان یک «واقعیت» پذیرفته شده است. این دیدگاه دربرگیرنده همه دولت‌های عربی از جمله ساف است.^۱

۳-۲. آرمان و نظم مطلوب، آزادی سرزمینهای کشورهای مصر، سوریه و لبنان بوده است. در این فرض مسأله فلسطین مسکوت است. دیدگاه غیر اعلانی مزبور متعلق به کشورهای عربی همچون اردن، مصر و سرانجام سوریه است؛ یعنی نظم مطلوب در پرتو منافع ملی خاص هر یک از دولت‌های عربی هویت می‌یابد و منافع ملی هر کشور مستقل بر منافع کلان جمعی «قوم عرب» و یا «امت اسلام» رجحان می‌یابد.^۲

۴-۲. وضعیت مطلوب، ایجاد تشکیلات خودمختار فلسطینی با اختیارات محدود و تحت سلطه رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی است. این دیدگاه متعلق به حزب کارگر در اسرائیل با شعار «زمین در مقابل صلح» بوده است. اما حزب نیکود پیوسته با آن مخالفت ورزیده است.^۳ عبد معروف در بررسی آرمان‌شناسی دو طرف فلسطینی و اسرائیلی می‌گوید: «اسرائیلی‌ها اتفاق نظر دارند که طرح خودمختاری فلسطینی‌ها در نوار غزه و کرانه باختری، طرح نهایی و غیرقابل تغییر است و این مناطق هرگز از کنترل اسرائیل خارج نمی‌شود. در حالی که طرف فلسطینی طرح خودمختاری را مرحله‌ای انتقالی برای تأسیس دولت فلسطینی می‌داند.»^۴ فیصل الحسینی، رئیس هیأت فلسطینی در مذاکرات صلح می‌گوید: «توافق فلسطینی-اسرائیلی آرمان فلسطینی را برآورده نمی‌سازد، ولی ما با توجه به شرایط کنونی جهان به آن نگاه می‌کنیم.»^۵

۵-۲. بد نیست در این رابطه به آرمان رژیم صهیونیستی اشاره شود. در مرتبه نخست این آرمان تشکیل کشور اسرائیل بوده است که توسط هر تسل در هر کتاب «دولت یهود»

۱. مؤلفات بسیاری بر این نظر است. متن بیانیه اجلاس سران عرب در قاهره بر همین فرض آرمان‌شناسی صراحت دارد. ر.ک.

متن بیانیه در روزنامه همشهری، ۱۳۷۵/۴/۴، ش ۱۰۰۱، ص ۱۵.

۲. فرهنگ رجایی، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب؛ تهران، مرکز پژوهشهای خاورمیانه، ۱۳۸۱، مقدمه، صفحه ۴۳.

۳. دانشنامه فلسطین، احزاب اسرائیلی، ۱۳۸۰، صص ۲۷۶-۲۸۲.

۴. عبد معروف: دولت فلسطینی و شهرک‌های یهودی‌نشین؛ ترجمه فرزاد مددوحی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۴۷.

۵. گزیده رویدادها، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، ص ۲۱۱.

پیش‌بینی شده بود: «آرامانی که من تصور می‌کنم، چیز جدیدی نیست و آن احیای دولت یهودی است.» زیرا وی یهودیان را «ملت بدون دولت» می‌خواند.^۱ این آرمان در ۱۹۴۸ جامه عمل پوشید. البته، آرمان «اسرائیل بزرگ جغرافیایی» و گسترش فضا سازی از نیل تا فرات هنوز تحقق نیافته است. سفیر اسرائیل در آمریکا در آستانه برگزاری کنفرانس مادرید که سنگ بنای روند ده ساله صلح اعراب اسرائیل است، اظهار داشت: «سرزمینهای فعلی اسرائیل تنها ۲۰ درصد از اراضی موعود نهضت صهیونیسم است و ۸۰ درصد بقیه را فعلاً به اعراب بخشیده‌ایم.»^۲ مشخصه بارز حزب لیکود نیز تأکید بر جنبه سرزمینی است. آرمان‌شناسی سوم «اسرائیل بزرگ اقتصادی» است که شیمون پرز در کتاب «خاورمیانه جدید» بدان پرداخته است. در این فرض آرمان نیل تا فرات جلوه‌ای اقتصادی پیدا کرده است. این آرمان اسرائیل زمانی تحقق می‌یابد که همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و مکمل سازی اقتصادی، بازارهای مصرف و مواد خام کشورهای عربی را تسخیر کند، و شاخص قدرت در سطح بین‌المللی از جنبه نظامی به سوی قدرت اقتصادی تحول یابد. در این راستا، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۳. علل شناسی

علل شناسی مشکلات و بحران، سؤال بعدی است؛ یعنی پس از مشاهده بی‌نظمی علل این نابسامانیها نیز مطرح می‌شود. در این زمینه نیز دیدگاههای پیشگفته از یکدیگر فاصله می‌گیرند؛ یعنی احتمال دارد در اینکه مشکلی به نام فلسطین و اسرائیل وجود دارد تردیدی نباشد، اما در شناسایی علل ایجاد کننده و علل استمرار چنین حادثه‌ای، اختلاف نظر باشد؛ همان‌سان که ممکن است دولتها و متفکران در بعضی علل اشتراک نظر داشته و در برخی دیگر متفرق باشند. در بررسی ظهور پدیده صهیونیسم سیاسی، علل مشترک عبارتند از: فعالیت آژانس یهود، دخالت قدرتهای خارجی، غفلت و تفرقه اعراب و نقش منفی

۱. درایدل، آلامدیر. جرائداج. بلیک: جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال، آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجراتی)، تهران

دفاتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۳.

۲. متن خبر در روزنامه‌های مختلف از جمله رسالت، مورخ ۱۳۷۰/۸/۴.

سازمانهای بین‌المللی. برخی از علل استمرار بحران نیز همان علل ایجاد کننده است؛ اما آنچه کشورهای عربی و اسلامی را از یکدیگر جدا می‌سازد علل استمرار است. دیدگاه محافظه کار، علل مشکلات و نابسامانیها را «علل بیرونی» می‌داند و قدرت اسرائیل و حمایت قاطع قدرتهای بزرگ را به عنوان دلایل استمرار بحران ذکر می‌کند. بنابراین، در دیالکتیک حق و زور دست‌کم در کوتاه مدت پیروزی «زور اسرائیل» بر «حق فلسطین» را به عنوان یک واقعیت باید پذیرفت.^۱ در حالی که دیدگاه تندرو، علل بیرونی را علل فرعی و عوامل درونی را علل اصلی می‌داند، زیرا علل بیرونی بدون زمینه‌های مساعد داخلی فرصت عمل پیدا نخواهند کرد امام خمینی می‌گوید: «مشکل مسلمین، مشکل حکومت‌های مسلمین است. این حکومتها هستند که مسلمین را به این روز انداخته‌اند»^۲ هیکل نیز علی‌رغم تواناییها و امکانات عظیم کشورهای عربی و اسلامی، مشکل تداوم بحران اعراب-اسرائیل و فلسطین را فقدان اراده بسیج این امکانات از سوی نخبگان می‌داند.^۳

۴. راه‌حل‌شناسی

راه‌حل‌شناسی یکی از اجزای اندیشه سیاسی است و تحت تأثیر روندهای فکری و واقعیتهای عینی است. کشورهای عربی اسلامی چه راه‌حلهایی را برای حل مسأله فلسطین در مقاطع گوناگون اتخاذ کرده‌اند؟ در بررسی تاریخی روند مسأله فلسطین و مطالعه رفتار سیاسی دولتهای عربی، چندین روش مشهود است. راه‌حلهای نظامی، راه‌حلهای اقتصادی، راه‌حلهای سیاسی و مذاکره. گفتنی آن‌که دولتها به طور کلی، هنگام یأس از یک اهرم و

۱. یکی از محققان مسأله و براساس چنین دیدگاه حقوقی دنبال کرده است: عبدالوهاب هشیت: تبیین سرنوشت فلسطین میان حق و زور ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶. ماهانیر محمد، رئیس جمهور وقت مائری نیز براساس حق و عدالت از یک سو، و زور و قدرت از سوی دیگر بر مبنای اصل غیر اعتلای غرب؛ یعنی اصل حق یا قدرت است و قدرتمند حق را اقدامی دارد و اقدامات او عین حق است، چنین مسائلی را تجزیه و تحلیل می‌کند: ماهانیر محمد: جهانی که در آن زندگی می‌کنیم. ترجمه محسن پاک آئین، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۲، صص ۲۰۶-۲۰۷ و ص ۲۱۳.

۲. امام خمینی: صحیفه نور، جلد ۱۲، ۱۳۴۹/۵/۱۵.

۳. هیکل، روزنامه هشتپری، ۱۳۷۷/۹/۸، شماره ۲۷۲.

عدم کارایی آن، به اهرم دیگری متوسل می‌شوند و این نوسان به طور دائمی است. دولتهای عربی تاکنون دو دوره را پشت سر گذاشته‌اند: الف) دوره برخورد های نظامی؛ ب) دوره مذاکرات سیاسی.^۱

دوره نخست متعاقب اعلام موجودیت اسرائیل آغاز می‌شود. چهار جنگ عمده اعراب در سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ پایان بخش این دوره است. وجه مشترک این جنگها شکست اعراب و از دست دادن بخشی از سرزمینهای خود و حمایت قدرتهای بزرگ غربی از اسرائیل است. تنها استثنای جنگ ۱۹۸۲ و خروج اسرائیل از لبنان در ماه مه ۲۰۰۰ اثر اقدامات حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان است.

دوره دوم، دوره راه‌حلهای سیاسی و مذاکره است. آنچه این راه‌حلهای را در دستور کار دولتهای عربی قرار داد، یأس دولتهای عربی از نابودی اسرائیل و کارایی راه‌حل نظامی و یا اخذ امتیازات قابل توجه از این طریق است. از این سبب، هرگاه سخن از مذاکره می‌شود، مفروض این است که اعراب از تصمیم به نابودی اسرائیل دست‌کم در این زمان متصرع شده و با اعتراف به ضعف خود پذیرفته‌اند که کشوری به نام اسرائیل می‌تواند وجود داشته باشد و با چنین مفروضی می‌خواهند به حل مسئله بپردازند و با آن روابط مسالمت‌آمیز داشته باشند. بنابراین، در دیالکتیک اندیشه‌ها و واقعیتها و تعدیل اندیشه‌ها، دولتهای عربی راهکار مذاکرات صلح را در دستور کار قرار داده‌اند. در این راستا، مصر آغازگر روند سازش اعراب با اسرائیل بود. تغییر موضوع سیاسی فاحش مصر و گرایش همه جانبه به سوی غرب، از لوازم چنین امری بود. فراتر از آن، جنگ ۱۹۷۳ نیز جنگی برای نابودی اسرائیل نبود، بلکه به خاطر بازپس‌گیری سرزمینهای از دست رفته سینا و جولان بود. در جنگ اسطوره «آسیب‌ناپذیری اسرائیل» شکست و این امر موجب نرمش اسرائیل نیز شد. راه مصر، راه سازش با اسرائیل و راه‌آشتی با غرب و به رسمیت شناختن اسرائیل و بازپس‌گیری اراضی از دست رفته بود. این راه در مذاکرات کمپ‌دیوید ۱۹۷۸ به سرمنزل مقصود رسید و مصر راه خود را از جهان عرب جدا کرد. بر همین اساس، ابتدا مصر متزوی و از اتحادیه عرب اخراج گردید؛ اما گذشت زمان بیانگر این واقعیت بود که دیگر کشورهای عربی نیز دیر یا زود راه مصر را انتخاب خواهند کرد و به آن کشور ملحق

۱. هنری کاتون این دوره را در اثر خود با عنوان «مسئله فلسطین» به طور مستدل بحث کرده است:

Cattan Henry: The Palestine Question: New York: Croom Helm, 1988. part II and IV.

خواهند شد. تلاشهای اردن، طرح فهد، جنگ ایران و عراق و فراموشی دشمنی با اسرائیل، جنگ خلیج فارس و جز آن، همگی در روند صلح نقش داشت؛ به گونه‌ای که حتی سوریه نیز بر سر میز مذاکره می‌نشند. علل رویکرد راه‌حلهای مسالمت‌آمیز چیست؟ این علل یا دلایل عبارتند از: عدم کارایی قدرت و اهرم نظامی چهار جنگ اعراب و اسرائیل و مشکلات اقتصادی گسترده کشورهای درگیر در سانهای جنگ، بازسازی، و حالت آماده‌باش «نه جنگ نه صلح».

ساختار نظام بین‌المللی نیز پیوسته در مقاطع گوناگون بر بحران فلسطین تأثیر (عمدتاً منفی) گذاشته است. نظام بین‌المللی متعاقب جنگ جهانی اول در فروپاشی امپراتوری عثمانی و زایش کشورهای کشورهای کوچک عربی ضعیف؛ صدور اعلامیه بالفور^۱ - وزیر خارجه وقت انگلیس - در باب تأسیس اسرائیل؛ جنگ جهانی دوم و ظهور عینی اسرائیل؛ تأثیرگذاری سیستم دو قطبی متعاقب جنگ جهانی دوم در شکل حمایت هر یک از دو ابرقدرت از یکی از طرفهای بحران؛ یعنی شوروی از اعراب و آمریکا و غرب از اسرائیل؛ و فروپاشی پایه حامی اعراب تندرو؛ یعنی شوروی، و سرانجام جنگ خلیج فارس و یا جنگ آمریکا علیه طالبان در افغانستان، و اشغال عراق در ۲۰۰۳/۱۳۸۲ جلوه‌های گوناگونی از تأثیرگذاری متغیر نظام بین‌المللی به مثابه یک «متغیر مستقل» در ایجاد یا استمرار بحران فلسطین بوده است.^۲

اوج‌گیری انتفاضه و مشکلات ناشی از آن برای اسرائیل؛ این موضوع در کنار معضل افزایش جمعیت فلسطینی‌ها و تغییر بافت جمعیتی به نفع فلسطینی‌ها، مهمترین عاملی که موجب نرمش در طراف اسرائیلی شده است. اسلام‌گرایان بر این باورند که گرایش اصلی طرحهای صلح جاری در جهت حل مشکلات اسرائیل است تا مشکل فلسطینی‌های داخل اراضی اشغالی را به سامان برساند. اسرائیل کوشیده است تا جریان انتفاضه را به سوی خود فلسطینی‌ها معکوس کند و به فلسطینی کردن مبارزه فلسطینی‌ها اقدام کند و مبارزه فلسطینی - اسرائیلی را به درگیری فلسطینی با فلسطینی تبدیل کند.^۳ درگیریهایی مکرر

1. The Balfour Declaration.

۲. برای بررسی بحث نظری ر.ک. سریع‌القلم، محمود: نظام بین‌المللی و مسأله صحرای غربی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

۳. صفاتاج، مجید: ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱.

عرفات با مبارزان حماس و جهاد اسلامی، گواه صادق این مدعا بوده است. تعارض انتفاضه و ساف نیز تعارض دو نگرش و روش است:

در تحول نگرش و روش ساف، عوامل چندگانه‌ای ذکر شده است:

الف) تحول و فشار از بیرون: نقطه عطف در موانع ساف (plo) همچون دیگر اعراب، جنگ ۱۳۷۹ بود. به دنبال آن قرارداد کمپ دیوید به امضا رسید، که در پی آن دولتهای عربی از سال ۱۹۷۳ به بعد نمی‌توانستند یک جنبش افراطی فلسطینی را تحمل کنند، زیرا از جنگهای ناخواسته و عملیات انتقامی اسرائیل اجتناب می‌ورزیدند. بدین سبب به دنبال تعدیل کشورهای عربی خط مقدم، ساف نیز معتدل شد؛ یعنی فشار بیرونی جامعه عربی موجب انعطاف و تعدیل ساف شد.

ب) گام دوم در واقع تغییر از درون خود ساف بود. ساف که در نتیجه فعالیت‌های به اصطلاح تروریستی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، چهره‌ای نامطلوب داشت، به منظور محروم نماندن از مذاکرات سیاسی صلح، نیازمند «اصلاح چهره» خود بود و در واقع، استراتژی ساف تغییر کرد. صالح خلف، یکی از رهبران ساف در این باب می‌گوید: «جنگ اکتبر ۱۹۷۳ ما را وادار ساخت تا در «سیاست همه چیز یا هیچ چیز» تجدید نظر کنیم».^۱ از این رو در اجلاس رباط ۱۹۷۴ ساف به عنوان تنها نماینده مشروع مردم فلسطین شناخته شد.

ج) گام سوم خروج ساف از بیروت دو سال ۱۹۸۲ بود. پیشتر نیز از اردن اخراج شده بودند؛ بدین ترتیب آنان تنها مقر مبارزه مستقیم خود علیه اسرائیل را از دست دادند. چنین واقعیهایی موجب تعدیل آرمانهای فلسطینیان و سیر از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی شده است. دیدگاه «عبدالحمید السایح» رئیس شورای ملی فلسطین به عنوان یکی از نمایندگان فکری جریان صلح چنین است: «به عقیده من تمام خاک فلسطین، حق فلسطینی‌هاست؛ اما با توجه به اوضاع عربی اسلامی و بین‌المللی فعلی، در حال حاضر برآورده شدن این آرمان دشوار است. لذا من با برپایی یک کشور فلسطینی که پایتخت آن قدس باشد و طبق قطعنامه سازمان ملل عمل کند - امری که اکنون «میسر» است - موافقم».^۲

۱. پنت‌کوئیک، رنک: «دگرگونی نظر اعراب درباره اسرائیل»؛ مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰/۷/۲.

راه حل اسلامی کردن نبرد با اسرائیل

رویکرد اسلامی کردن نبرد اسرائیل فلسطین، ملهم از انقلاب اسلامی و به دنبال شکل گیری جنبش جهاد اسلامی و حماس در سال ۱۹۸۷ شکل می گیرد. این رویکرد حاصل ناکامی تمسک به ایدئولوژیهای مارکسیستی و بویژه ناسیونالیسم عربی در آزادسازی فلسطین است.^۱ حماس نمونه ای از اسلام سیاسی و نشانه ای از دگرگونی در الگوهای مبارزاتی فلسطینیان با اسرائیل است. با پیدایش حماس و جهاد اسلامی در فلسطین مبارزه فلسطینی ها ماهیتی اسلامی یافت و از قالب یک حرکت ناسیونالیستی و پان عربیسم خارج شد، و از این پس، جنگ و مبارزه با اسرائیل به صورت نبرد میان حق و باطل جنوه گر شد.^۲

ایران، جنبشهای فلسطینی و اندیشمندان همسو بر این باورند که برای تحقق آرمان فلسطین، راه حل مؤثر، اسلامی کردن آن است. اصولاً تحقق وضعیت مطلوب مسئله فلسطین، آنگونه که امام خمینی طراح آن است، با راه حل مذاکرات سیاسی سختیت ندارد و هرگز با راه حل سیاسی و گفتگو، تحقق پذیر نیست. چگونه ممکن است با مذاکره از اسرائیل محترمانه تقاضا کرد تا همه سرزمینهای اشغالی بیرون رود! بنابراین، ابزار سیاسی و مذاکره ماهیتاً با جامعه آرمانی فلسطین به فراتر اسلامگرایان در تعارض است و تناسبی با آرمانها و ابزارهای به کار رفته وجود ندارد، بلکه ابزار مناسب وحدت علمی تمام ملل و دول عربی اسلامی با تکیه بر اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه است؛ همچون انتفاضه یعنی مبارزات مبتنی بر آموزه های اسلامی و مردمی فلسطین که ملهم از انقلاب اسلامی ایران و تجلی تجارب نیم قرن مبارزه مردم فلسطین است.^۳ حماس در متن «ميثاقه خود که یکی از

۱. این یأس می تواند، از عملکرد سازمان ملل و قطعنامه های ناکارآمد آن در حل مسئله فلسطین به شکل مسالمت آمیز باشد. تا سال ۲۰۰۳، ۸۰۷ قطعنامه در باب مسئله فلسطین صادر شده است، اما به هیچ یک عمل نشده است. در شورای امنیت ۷۴ در مجمع عمومی ۶۰۰ و در یونسکو ۳۶ کمیابرای امور پناهندگان و کمیته فرضی مقابله با تبعیض نژادی و حمایت از اقلیتها ۱۰ قطعنامه صادر شده است. دادگاه القدس، سال پنجم، شماره ۷۵/۱۱۶۱/۱۳۸۲. محکومیت ساخت دیوار حایل در دیوان لاهه از این جمله است؛ خبر روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۴/۲۳، ص ۶.

2. litrak, meir: the Islamization of the palestian- Israae; Conflict: The Case of Hamas; Middle Eastern Studies, 1997.

۳. برای بررسی بیشتر دلگردد به: «دانشنامه فلسطین»، ۱۳۸۰، آخرین تأملین، صص ۳۱۴-۳۳۲.

معتبرترین متون بررسی اندیشه آنهاست، تأکید می‌ورزد که «سرزمین فلسطین، سرزمین موقوفه اسلامی برای نسلهای مسلمانان تا روز قیامت است» و سپس با ایجاد پیوند عمیق بین «دین» و «سرزمین بت‌المقدس» تصریح می‌کند که هرگونه سستی و تنازل در باب این سرزمین، به معنای ایجاد شکاف و خدشه‌ای در «دیانت» خواهد بود. «تمامی آنچه که راه‌حلهای مسالمت‌آمیز و کنفرانسه‌های بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین نامیده می‌شود، با عقیده حماس در تعارض است. از دست دادن هر قسمت از فلسطین اسلامی، از دست دادن قسمتی از دین است.» و مجدداً بر راه‌حل جهادی برای مسئله فلسطین تأکید می‌ورزد: «حماس معتقد است راه‌حلی برای مسئله فلسطین جز جهاد نیست.»^۱ جنبشهای حماس و جهاد اسلامی در فلسطین هر دو دارای دیدگاه اسلامی کردن در مسئله فلسطینی‌اند و در مقابل ساف و گروههای زیر مجموعه آنها که دارای ایدئولوژی سکولار هستند. حماس و جهاد اسلامی دارای آرمان مشترک ایجاد دولت اسلامی در تمامی سرزمین فلسطین و دیدگاه مشترک بر اسلامی کردن مبارزه و مردود شمردن مذاکره، در راه‌حل‌شناسی‌اند. آنان بیش از ده سال مذاکره نافرجام، اعراب و اسرائیل را مؤیدی بر صحت راه‌حل بدیل؛ یعنی راه‌حل و انتفاضه تلقی کرده‌اند.^۲

جالب آنکه در طیف مقابل؛ یعنی طرف اسرائیلی نیز راه‌حلهای افراطی تندروانه در کانون توجه قرار می‌گیرد. بدین سبب به جمعیت یهودی اسرائیل، برخی راه‌حل را در اخراج دست‌جمعی فلسطینی‌ها یا سیاست ترانزفر دانسته‌اند. حزب مولیدات برای تحقق این امر سازوکارهایی ارائه کرده است؛ اخراج از طریق جنگ؛ مهاجرت داوطلبانه فلسطینی‌ها به کشورهای عربی و یا اخراج با هماهنگی به اردن به دلیل آنکه اردن همان فلسطین است. احزاب اردوگاه راست که مشکل جمعیتی را پنهان نمی‌کنند، نیز کم و بیش از آن حمایت فکری می‌کنند. رجبعلی زئیفی رهبر حزب مولیدات که در انتفاضه به قتل رسید، از منافع عبری‌گزیده‌ای از دیدگاههای رهبران صهیونیستی در این باب را جمع‌آوری

۱. صفاتاج، مجید: ماجرای فلسطین و اسرائیل، ۱۳۸۰، صص ۲۷۱-۲۷۵.

۲. برای بررسی بیشتر به مقاله اسلامگرایان و جریان صلح در کتاب زیر بنگرید:

John esptio; Political Islam: Radicalism, or Refrm?: London; Lynne Rienner Publishers. 1997, pp. 207-231.

کرده است.^۱ کشیدن «دیوار حائل» از آخرین راه‌حلهای عملی اسرائیل برای حل جمعیت فلسطینی‌هاست.^۲

راه‌حل و اندیشه دیگری که به دنبال بی‌ثمر بودن مذاکرات صلح از سوی برخی از متفکران ارائه شده، «اندیشه دو ملیتی» است. اندیشه دو ملیتی دارای پیشگامان و هواداران در دو جناح یهودی و فلسطینی است. هانا آرنست^۳ استاد فلسفه و علوم سیاسی، جودامگنز^۴ و مارتین بوبر^۵ هر سه متفکر یهودی از دیرباز هوادار اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز دو ملت یهود و فلسطینی در سایه صلح پایدار و عادلانه بوده‌اند.^۶ ادوارد سعید و هشام شرابی متفکران برجسته فلسطینی نیز کم بیش از چنین اندیشه‌ای، پیرویه پس از ناکامیهای مذاکرات صلح، جانبداری می‌کنند. ادوارد سعید از همزیستی مسالمت‌آمیز اعراب و یهودیان و تشکیل نظام دو ملیتی در اسرائیل به عنوان «راه سوم» یاد می‌کند. در این راه به جای تأکید بر فلسطینی بودن یا اسرائیلی بودن یا مسلمان و یهودی بودن، تأکید بر مفهوم شهروندی است. راه‌حل سعید به ایجاد نوعی نظام لائیک می‌انجامد که در آن همه - اعم از یهودی یا فلسطینی - از حقوق شهروندی برابر برخوردارند.^۷ گفته می‌شود، روند جهانی شدن و پدیده در حال رشد پسا صهیونیستی در جامعه اسرائیل و به چالش کشیدن بسیاری از باورهای صهیونیسم توسط نسل معاصر در اسرائیل و نیز متغیر جمعیتی که به گفته هشام شرابی تا ۱۰ سال دیگر جمعیت فلسطینی‌های دریای مدیترانه و رود اردون از تعداد یهودیان در فلسطین بیشتر می‌شود، زمینه اندیشه مسلط شدن و اقبال به اندیشه دو ملیتی را مساعدتر می‌کند.^۸ راه‌حلهای متفاوت و اخیر جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا جالب توجه است. در آن بازگشت داوطلبانه همه پناهندگان فلسطینی ساکن در کشورهای

۱. جمعیت؛ محور اصلی جنگ صهیونیست- با ملت فلسطین؛ نهاد القدس، سال سوم، شماره ۱۶، ۱۳۸۱/۷/۱، صص ۱۸-۱۲.
و نیز احمد طیفه؛ رژیم صهیونیستی؛ احزاب سیاسی؛ ترجمه عبدالکریم جادری، تهران، دوزخ عالی جنگ سپاه پاسداران، صص ۸۲-۸۷.

۲. متن اظهارات شارون نخست وزیر اسرائیل، رادیو ایران، ۱۳۸۳/۱/۱۴.

3. Arendt
4. Mognez
5. Buber

۶. رشیدی، احمد؛ «یک حاکمیت دو دولت» راهبرد، ش ۲۶، تابستان ۸۱، ص ۳۳.

۷. سعید، ادوارد؛ اسرائیل - فلسطین، راه سوم؛ ترجمه ک. فخرطاولی، ترجمان سیاسی، شماره ۱۵۲، مرداد ۱۳۷۷، ص ۴۴.

۸. «صاحب هشام شرابی، راهبرد، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۳.

عربی و غیرعربی به فلسطین و آنگاه نظرخواهی از همه کسانی یهودی، مسیحی و مسلمان در باب نظام سیاسی مورد نظر پیشنهاد شده است.^۱ البته، در این طرح همچنان آرمان‌شناسی خاص ایران حضور دارد. بدین سبب، تصمیم‌گیری در مورد یهودیانی که بعد از سال ۱۹۴۸ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند، به حکومت منتخبی واگذار شده که توسط اکثریت فلسطینی‌ها برگزیده می‌شود. بنابراین، در اینجا نیز پیوند میان آرمان‌شناسی و راه‌حلی‌سازی علنی می‌شود.^۲

نتیجه‌گیری

۱. مسأله بودن فلسطین و سهم آن در اندیشه سیاسی معاصر: مسأله فلسطین به عنوان یک «واقعیت تحمیلی» در شکل اشغال مسجدالاقصی و بیت‌المقدس و سرزمین ملت مسلمان فلسطین، اندیشه و عواطف اندیشه‌ورزان و نخبگان سیاسی جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داده است. بدین سبب، پرداختن به این موضوع به مثابه شاخصی در آمده است که برای تبیین دیدگاه‌های نظری و موضع‌گیری علمی هر کشور، متفکر، حزب، تشکل و جریان ضروری است. بر این اساس، ولید محمود عبدالناصر سه چالش اساسی خارجی برای جهان اسلام برمی‌شمارد: تهدید صهیونیستی اسرائیل، چالش تمدن غربی، و چالش کمونیسم. آنگاه دیدگاه هر یک از جریانات اسلامی و ملی را در قبال این چالش‌ها به بحث می‌گذارد.^۳ به نظر وی، اکثر اسلام‌گرایان مصری از اصطلاحات «یهود»، «اسرائیل» و «صهیونیسم» برای توصیف این پدیده استفاده کرده و مباحث خود را با دستمایه‌ای از متون قرآنی و شواهدی از سنت پیامبر (ص) و نیز مؤیدات تاریخ اسلام مستدل ساخته‌اند.^۴ نظیر فون در مهند که چهار موضوع حاورمیان‌های اسرائیل، انقلاب اسلامی ایران، تجاوز شوروی به افغانستان و منازعات میان کشورهای خاورمیانه را برای تبیین عمیق دیدگاه‌های دولتهای

۱. آیت‌الله خامنه‌ای در این باب می‌گوید: «ما یک‌سال و نیم قبل هم این راه‌حل را گفتیم و دولت جمهوری اسلامی با ما در مجامع و مذاکرات بین‌الدول آن را تکرار کرده است». خطبه‌های نماز جمعه، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱/۱/۱۴، شماره ۲۲۴۱۹، ص ۲. و نیز اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی مبنی بر انتخابات آزاد به عنوان راه‌حل مسأله زیر نظر سازمان ملل و کشورهای اسلامی: روزنامه ایران، شنبه ۱۳۸۳/۸/۲۳، شماره ۳۵۵۴، ص ۲.

۲. گفتار حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی در اطلاعات ۱۳۸۰/۱۰/۲۵، ص ۲.

3. Abdelnasser, walid Mahmoud. the Islamic movement in Egypt: London and new York, kegan paul international, 1994, pp. 117-154.

4. ibid., p. 111.

آسیای جنوب شرقی مورد شناسایی قرار داده و مباحث خود را بر این اساس سازماندهی کرده است.^۱ پدیده بحران فلسطین و اسرائیل، از محیط بیرون دولتهای جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داده است و پیوسته خوراک مناسبی برای منتقدان درونی حکومتها را فراهم ساخته و به مشابه متغیر مستقل افت و خیزهای ایدئولوژیهای سیاسی در جهان عرب و جهان اسلام عمل کرده است.^۲ برای مثال، زمانی که در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ اعراب از اسرائیل شکست خوردند، این شکست از دید اسلامگرایان دلیلی بر فساد فراگیر دولتهایی بود که از اطاعت خداوند سرپیچی کرده بودند، و بدین سبب مقرر شده بود که طبق سنت خداوند سرنگون شوند.^۳ در حقیقت، این شکست پایانی بر ناصریسم و ناسیونالیسم عربی رادیکال و فرصتی مناسب برای رشد اندیشه‌های اسلام‌گرایی اخوان المسلمین بود.^۴ به هر تقدیر، باید با خدووری همدانان شد که هیچ نوشته‌ای در باب اندیشه سیاسی و گرایشهای سیاسی در جهان عرب و خاورمیانه بدون بحثی دست‌کم کوتاه در باب روابط اسرائیل و اعراب و مسأله فلسطین کامل نخواهد بود، زیرا غیرممکن است که مسأله مهم اعراب را بدون ارتباط گریز ناپذیرش با اسرائیل بررسی کرد.^۵

۲. همورزی^۶ اندیشه‌ها و واقعیتهای: فهم اندیشه ساسی اسلام معاصر در خلاء امکان‌پذیر نیست. سرنوشت این اندیشه در پیوند عمیق با واقعیتهای مشکلات زمانه رقم خورده است. در طول چندین دهه گذشته، واقعیتهای خشن در اشکال گوناگون ملی، منطقه‌ای و بویژه بین‌المللی اندیشه مبارزه‌جویانه علیه اسرائیل را دستخوش تغییر و تبدل ساخته است. برای مثال، واقعیتهای نظام بین‌المللی در ایجاد و استمرار یا تطویل و پیچیده کردن بحران نقشی اساسی داشته است. این ساختار اغلب به ضرر آرمان فلسطین عمل کرده است، اما دیالکتیک اندیشه‌ها و واقعیتهای در سطوح تحلیل منسی تغییر ایدئولوژی

۱. قون درمیدن، همان، ص ۱۱۴.

۲. هانتر، شیرین: آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجاهد، تهران، نشر فرزادروز، ۱۳۸۰، صص ۱۷۲-۱۷۳.

3. Ayubi, Nazih: Political Islam; Religion and Politics in The Arab World; London, Routledge, 1991, p. 77.

۴. عنایت، حمید: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، صص ۱۵۶-۱۵۷.

حمید عنایت، اسلام و سوسیالیسم در مصر، تهران، انتشارات موج، ۱۳۵۰، ص ۸۴.

۵. خدووری، مجید: گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۳۶۶، ص ۳۰۳. حمید عنایت: «مقاوه برخورد مسلکها در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل»، ۱۳۵۰، صص ۷۳-۹۲.

6. Interaction

مبارزه، به تفع آرمانها و اندیشه‌ها و به زبان واقعیتهای مسلط عمل کرده است. انتفاضه با توسل به اندیشه اسلامی کردن مبارزه و ابزار مردمی‌سازی به شکل تهاجمی می‌کوشد تا در جهت تغییر و وضع موجود و واقعیت مسلط حرکت کند؛ همان دیالکتیکی که به شکست تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ - پس از گذشت بیش از یک دهه - می‌انجامد و مقاومت اسلامی لبنان با تکیه بر راهکار اسلام و شهادت‌طلبی، اسرائیل را از لبنان عقب می‌راند، تا قدرت اندیشه را به رخ واقعیات خشن بکشد. اصولاً در این اندیشه، هرگونه تنازل و گشودن باب گفتگو که منجر به از دست دادن بخشی از سرزمین فلسطین شود، به مثابه ایجاد شکافی در رابطه دین و سیاست است.

۳. دگرگونی وضع: پویایی مواضع و گوناگونی نخبگان سیاسی و نظریه‌پردازان در موضوع فلسطین در طی پنج دهه گذشته به دو طیف رادیکال و محافظه‌کار؛ تندرو و کندرو؛ آرمانگرا و واقعگرا، مبارزه‌طلب و مسالمت‌جو تقسیم‌بندی می‌شوند. البته، این مواضع فکری یا عملی پیوسته در گذر زمان در تحول و دگرگونی بوده است؛ به گونه‌ای که مصر با تحول از چپ‌ترین کشور اسلامی عربی به راست‌ترین آنان تبدیل شده است. البته، این تغییر نگرش و روش یا گردش نخبگان بوده است. همچنانکه ایران نیز از شکل راست‌ترین کشور اسلامی در موضع فلسطین و اسرائیل، با وقوع انقلاب به اتخاذ تندترین مواضع علیه اسرائیل می‌پردازد. درک عمیق، این پویایی در گرو درک پویایی مشکل‌شناسی و اسلامی بودن «مسئله» یا اسلامی نبودن آن، قبض و بسط مشکل براساس منافع ملی و نیز صورت‌گوناگون آرمان‌شناسی است.^۱

۴. قدرت تبیین: کارایی مدل اسپریگنز در طبقه‌بندی، تحلیل و ترسیم منحنی اندیشه و رفتار نخبگان سیاسی و نظریه‌پردازان مسلمان بخوبی نمایان است؛ زیرا به مدد آن می‌توان ضمن توصیف و تحلیل به پیش‌بینی رفتار سیاسی نخبگان نیز دست یافت. مشکل‌شناسی و آرمان‌شناسی دو سرخ اساسی فهم رفتارهای سیاسی است. اگر جمهوری اسلامی یا جنبشهای حماس و جهاد اسلامی فلسطین با روند مذاکرات خاورمیانه مخالفت می‌ورزند و

۱. گراهام فولر الگوهای متعارض روابط ایران و اسرائیل را در دوره محمدرضا شاه و امام خمینی بررسی کرده است. فرائد از آن، به نظر وی امام خمینی قتلان علاقه سستی اجتماعات شیعی به مبارزه نعراب علیه اسرائیل را دگرگون ساخت و مسلمانان و شیعیان لبنان علیه اسرائیل براساس یک تعهد سیاسی - مذهبی موضع‌گیری کردند. فولر، گراهام، قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳، صص ۱۲۹-۱۴۹.

راه حل نظامی دولت‌ها یا اسلامی کردن مبارزه را راه حل کارآمد و مشروع می‌دانند، این راه حل دقیقاً متناسب با آرمان ایران اسلامی و یا گروه‌های فلسطینی در موضوع فلسطین است؛ آرمانی که جز با تشکیل یک دولت فلسطینی در سرزمین فلسطین محقق نخواهد شد. اگر مصر و ساف با مذاکره به دنبال دستیابی به اهداف خویش بوده‌اند، این مسأله دقیقاً منطبق با مشکلات ترسیمی و آرمان ممکن الوقوع آنها در ارتباط با ایجاد یک تشکیلات خودگردان فلسطین^۱ در بخشی از سرزمین فلسطین است. بنابراین منحنی سینوسی «راه‌حلهای» اتخاذ شده، همگام با تغییرات منحنی سینوسی «مشکلات» و تغییر ماهیت مشکلات خاص و عام در تحول است. رهبران سکولار کشور اسلامی ترکیه که وجود اسرائیل را اصولاً مشکلی با هویت اسلامی نمی‌دانند، طبیعی است که آن را به رسمیت بشناسند و با آن روابط دیپلماتیک برقرار کنند و حتی به انتقاد پیمان نظامی - امنیتی بپردازند. فراتر از آن می‌توان رنگین کمان پیچیده رفتارها در «مسأله فلسطین» را از یکدیگر بازشناسی کرد و شدت درجه اختلافات دهها طرف درگیر در مسأله فلسطین را اندازه‌گیری کرد. برای مثال، حماس و جهاد اسلامی دو جنبش فلسطینی در بسیاری از جهات با یکدیگر متفق‌اند. هر دو دارای دیدگاه مشترکی در مسأله‌شناسی و آرمان‌شناسی‌اند. هر دو دارای آرمان مشترک ایجاد دولت اسلامی در تمامی سرزمین فلسطینی‌اند. هر دو در علل‌شناسی به یکدیگر نزدیک می‌شوند و دلیل نتیجه‌بخش نبودن را استوار بودن مبارزات بر ایدئولوژی سکولار و ناسیونالیسم عربی می‌دانند. به همین جهت، هر دو در راه حل‌شناسی بر اسلامی کردن نبرد تأکید می‌ورزند. با این همه، این دو در محور راه حل‌شناسی جزئی‌تر از یکدیگر فاصله می‌گیرند، زیرا حماس متأثر از گرایش سستی اخوان المسلمین مصر پایه دولت‌سازی را بر اصلاحات درونی و اسلامی شدن جامعه استوار می‌کند. بنابراین، بیش از آنکه بر مبارزه نظامی تأکید داشته باشد، بر اصلاحات اخلاقی و جامعه‌سازی تأکید دارد؛ در حالی که جهاد اسلامی بر رویارویی مسلحانه با اسرائیل در کوتاه مدت برای ایجاد دولت اسلامی فلسطین پافشاری می‌کند. هر چه به مرحله راه حل‌شناسایی منتقل شود، درجه اختلاف کمتر می‌شود. دانشجو با در نظرگیری مراحل چهارگانه و جاسازی اطلاعات هر یک از دولت‌ها در جایگاه خود، به گونه‌ای لذت‌بخش، به فهم گوناگونی معمای پیچیده فلسطین و مواضع سیاسی طرف‌های دیگر نایل می‌شود.

1. Palestinaian- Administered Territories.

منابع

- فارسی

- ابوعمر و زیاده، جنبشهای اسلامی در فلسطین، ترجمه هادی صبا، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۱.
- احمدی حمید، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، چاپ دوم. (اندیشه‌های هرتسل در کتاب دولت یهود، ۱۸۹۶)
- اسپریگنز، توماس: فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۵.
- آلاسدر درایدل جرالداچ، بنیک: جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال، آفریقا، ترجمه دره‌میرحیدر (مهاجرانی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- امام خمینی: صحیفه نور، جلد ۱۲، ۱۵/۵/۱۳۵۹.
- باوند داود، پان ساماتیسیم و استراتژی جدید اسرائیل، یوئن میزگرد اسرائیل، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات خاورمیانه، مهرماه ۱۳۷۳.
- برگر المر، خاطرات یک یهودی ضد صهیونیست، ترجمه حسین وجداندوست، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- توسنی، مهدی، فلسطین (ریشه‌های درد)، تهران، چاپ ارگی، ۱۳۵۹.
- جمعیت، نگرانی دایمی اسرائیل: فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره ۲، زمستان، ۱۳۷۸؛ و نیز «جمعیت» محور اصلی جنگ صهیونیستها با ملت فلسطین»، نداه‌القدس، سال سوم، شماره ۶۶، ۱/۶/۱۳۸۱.
- خدوری مجید، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶.
- خلیفه احمد، رژیم صهیونیستی: احزاب سیاسی، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران.
- دانشنامه فلسطین، احزاب اسرائیلی، ۱۳۸۰.

- رادواف پیترز، اسلام و استعمار، محمد خرقانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- رشیدی احمد، یک حاکمت دو دولت، راهبرد، ش ۲۴، تابستان ۸۱.
- روشندل، جلیل، پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل، محتوا و پیامدها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.
- ریاض نجیب الریس، راه دشوار مقاومت فلسطین؛ حمید فزانه، تهران، اسلامی، ۱۳۵۷.
- سریع القلم، محمود، نظام بین الملل و مسأله صحرای غربی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
- شهبازی عبدالله، بنیادهای اندیشه سیاسی یهود؛ در پژوهش صهیونیست، کتاب دوم، به کوشش محمد احمدی، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۳.
- صفاتاج مجید، ماجرای فلسطین و اسرائیل، ۱۳۸۰.
- صفاتاج، مجید، (گردآورنده و سرپرست علی) دانشنامه فلسطین، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- عبدالوهاب شیش: تعیین سرنوشت فلسطین میان حق و زور؛ ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- عنایت حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، حمید عنایت، اسلام و سوسیالیسم در مصر؛ تهران، انتشارات موج، ۱۳۵۰.
- الغنوشی، راشد، مسأله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- فرهنگ رجایی، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب؛ تهران، مرکز پژوهشهای خاورمیانه، ۱۳۸۱، مقدمه، صفحه «ز».
- فولر گراهام، قبله عالم؛ ژئوپلتیک ایران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.

- فون در مهند، فردر: دو دنیای اسلام: روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه. ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- کولانی، الهه: سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، سمت، ۱۳۷۶، ص ۱۳.
- کوپک پت، رنک: «دگرگونی نظر اعراب درباره اسرائیل»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۹ و ۲۰، ۱۳۶۷؛ سریع القلم محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹.
- کوپک پت، رنک: «دگرگونی نظر اعراب درباره اسرائیل»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰، ۱۳۷۶.
- گزیده رویدادها، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳.
- مجید صفاتاج، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- معروف عبد، دولت فلسطینی و شهرکهای یهودی‌نشین؛ ترجمه فرزاد معدوحی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
- منوچین موشه، منتقدان یهودی صهیونیسم، ترجمه وارزیک درساهاکیان، تهران، سروش، ۱۳۵۹.
- هانتیر شیرین، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۸۰.

- انگلیسی

- Abdelnasser, walid Mahmoud, the Islamic movement in Egypt: London and new York, kogan paul international, 1994, pp. 117-154.
- Ayubi Nazih, Political Islam; Religion and Politics in The Arab World; London, Routledge. 1991.
- Cattan Henry, The Palestine Question: New York: Croom Helm. 1988. part II and IV.
- Espstio John, Political Islam: Radicalism, or Refrm?: London: Lynne Rienner Publishers. 1997, pp. 207-231.
- Hunte Shirin, "The Muslim Republics of The former soviet Union: Policy Challenges for The United States " The Washington Quarterly Summer. 1992.

- L. Esposito John (ed): **The Iranian Revolution: Its Global Impact**: Florida: International University press, 1990.
- Meir Litvak, **The Islamization of the palestian- Israel**; Conflict: The Case of Hamas: Middle Eastern Studies, 1997.
- Tumer Barry (ed): **The Statesment's Year Book**: Great Britian: Palgrave Pulishers Ltd, 2002.